تفریع تعبیر «مستشهد» بر تقسیم ثوابت و رواصن

شاگرد ۲: الآن در توضیح شما، مستشهدٌ پس دیگر ناظر به ثوابت نیست، فقط ناظر به «رواصن» است.

استاد: خیر؛ چرا شما فقط «مستشهدٌ» را میخوانید و جملهی بعدی آن را نمیبینید؟! بعد از «مستشهد» چه فرمودند؟ «و بعجزها». عجز برای طبایع است؟! « و بفطورها».

شاگرد: اگر شما میگویید آنها مدرک هستند، خُب، «مستشهد» هم هستند.

استاد: خیر؛ مستشهِد چه کسی است؟ مستشهِد در عبارت حضرت علیه السلام چه کسی است؟ خدای متعال است. آن مستشهِد با این بیانی که در این جمله دارند، خیلی عالی است.

علی أیّ حال عرضم را خلاصه کنم. الآن با این چیزی که عرض کردم میخواهم در سه-چهار جملهی بعدی، ربط آن را کاملاً عرض کنم. یعنی با این تقریری جدید که «اذعنت»، «خضعت»، این دستهبندی کلی را کردیم که به تناسب حکم و موضوع اذعان برای فضای معرفت است، خضوع برای فضای مقهوریت و طوع است. طوع در برابر امر الهی. بعد حضرت علیه السلام یک دستهبندی بسیار زیبایی را بر این متفرع میکنند: «مستشهد بكليّة الأجناس علی ربوبيّته و بعجزها علی قدرته وبفطورها علی قدمته ، وبزوالها علی بقائه». به ذهن من اینطور آمده است که این چهار جملهی بعدی که بحث بسیار قشنگی دارد، باز شدهی دو جملهی قبلی است؛ مقهور است و معترف. بعد میفرمایند: حال که هم مقهور است و هم معترف و مذعن است، حال دستگاهی را باز میکنیم؛ خدای متعال برای این مذعنین مستشهد است. برای این مذعنین از دو حیث: هم از حیث قدرت برای استشهاد خودش کمک میگیرد؛ مستشهدٌ بکلیّة و به عجز و به فطور و به زوال بر همان چیزی که اذعان آن را میآورد.

حال با این توضیحاتی که عرض کردم، میخواهیم ببینیم کلمهی «کلیت» به چه معنا است. چندین وجه برای کلیت در ذهن بنده هست. شما هم تأمل بفرمایید.

والحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:24:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:24:57 توسط ... .